

Research Article
**Sociological Jurisprudence Effects in the Social Life
of Shia Imamiyah During the Presence of the
Ahlulbayt (peace be upon them)**

Mohammad Javad Yavari Sarsakhti¹

Mohammad Shahbazi²

Received: 21/09/2022

Accepted: 18/06/2023



Abstract

Jurisprudence has a significant impact on human social life as it encompasses the principles of how to live. While the Quran and the Prophet's Sunnah serve as the foundation of Muslim social orders, the question remains as to how social jurisprudence was reflected during the presence of the Ahl al-Bayt. To address this issue, this study examines the historical review of social jurisprudence during the period of Ahl al-Bayt's presence. The findings reveal that hadiths prepared by the Messenger of God were disseminated in the community and later, Ahl al-Bayt made a serious effort to produce content and chapter them under the title of Bab al-Ashrah or other jurisprudential chapters. They also paid special attention to examining the social situation of the society and focused on socializing people, thereby making them aware of social jurisprudence. Their strategy aimed to prevent harm while acquiring spirituality in performing actions. As a result of these strategies, a unique lifestyle and social effects were realized in the life of Shiites. For instance, linguistic

1. Assistant Professor, Faculty of History, Baqir al-Olum University, Qom, Iran.

2. PhD in History of Islamic Culture and Civilization, University of Maarif, Qom, Iran.

* Yavari Sarsakhti, M. J., & Shahbazi, M. (1402 AP). Sociological Jurisprudence Effects in the Social Life of Shia Imamiyah During the Presence of the Ahlulbayt (peace be upon them). *Journal of Islam and Social Studies*, 11(41). pp. 68-98. DOI: 10.22081/JISS.2023.64916.1958

● © Author (s). This is an open-access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution-Non Commercial 4.0 International License (<http://creativecommons.org/licenses/by-nc/4.0/>) which permits copy and redistribute the material just in noncommercial usages, provided the original work is properly cited.

social symbols such as Hay Ali Khair al-Aml and even their daily lives were influenced by jurisprudence. This research employed a historical research method and data-based studies to explore the relationship between jurisprudence and its effect on the social life of Shiites. The study's contribution lies in its historical analysis of social jurisprudence during the period of the Ahl al-Bayt's presence, highlighting the impact of their strategies on the social life of Shiites. This research provides insights into the role of social jurisprudence in shaping social norms and values, which remain relevant to contemporary society.

Keywords

Social jurisprudence, Ahl al-Bayt (peace be upon them) and social jurisprudence, Shiites, strategies of social jurisprudence, social jurisprudence effect.



مقاله پژوهشی

آثار فقه اجتماعی در زندگی اجتماعی شیعیان

امامیه عصر حضور اهل بیت علیهم السلام

محمد شهبازی^۲

محمدجواد یآوری سرسختی^۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۳/۲۸

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۶/۳۰

©Author(s).



چکیده

باید دانست که فقه، در زندگی اجتماعی انسان تأثیرات بسیار زیادی دارد، چرا که فقه چگونه زیستن را در بر دارد. بسیار واضح است که کتاب قرآن و سنت نبوی منبع نظم‌های اجتماعی مسلمانان هستند، اما پرسش این است که فقه اجتماعی در دوره حضور اهل بیت علیهم السلام چگونه بازتاب یافت؟ برای پاسخ به این موضوع، بازخوانی تاریخی فقه اجتماعی در دوره حضور اهل بیت علیهم السلام مورد بررسی قرار گرفت و نتیجه آن گردید که احادیثی از سوی رسول الله صلی الله علیه و آله تهیه و در جامعه نشر یافت. در دوره‌های بعد نیز ضمن اهتمام جدی اهل بیت علیهم السلام به تولید محتوا و باب‌بندی آنها در عنوان باب‌العشره یا دیگر باب‌های فقهی، به بررسی وضعیت اجتماعی جامعه توجه ویژه داشتند و به مدیریت آنها اهتمام می‌ورزیدند. به عبارت دیگر، راهبرد آنان آگاه کردن مردم از فقه اجتماعی و جامعه‌پذیر کردن مردم بود، تا ضمن کسب معنویت در انجام اعمال، از بروز آسیب‌ها جلوگیری کنند. نتیجه این راهبردها نیز تحقق سبک زندگی خاص و آثار اجتماعی در زندگی شیعیان بود. به‌عنوان نمونه، نمادهای اجتماعی

۱. استاد یار گروه تاریخ دانشگاه باقر العلوم علیهم السلام، قم، ایران. javadyavari@yahoo.com

۲. دکترای تاریخ فرهنگ و تمدن اسلام دانشگاه معارف، قم، ایران. karbala.jamkaran@gmail.com

* یآوری سرسختی، محمدجواد؛ شهبازی، محمد. (۱۴۰۲). آثار فقه اجتماعی در زندگی اجتماعی شیعیان امامیه عصر حضور اهل بیت علیهم السلام. فصلنامه علمی-پژوهشی اسلام و مطالعات اجتماعی، ۱۱(۴۱)، صص ۶۸-۹۸.

DOI: 10.22081/JISS.2023.64916.1958

زبانی مانند حی علی خیر العمل یا سر به مُهر گذاشتن و حتی زندگی روزانه آنان تحت تأثیر از فقه گردید. روش تحقیق این نوشتار، استفاده از روش تحقیقات تاریخی و مطالعات داده بنیاد است. از نوآوری‌های این پژوهش، می‌توان به بررسی تاریخی رابطه میان فقه و تأثیر آن بر زندگی اجتماعی شیعیان اشاره کرد.

کلیدواژه‌ها

فقه اجتماعی، اهل بیت علیهم‌السلام و فقه اجتماعی، شیعیان، راهبردهای فقه اجتماعی، آثار فقه اجتماعی.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

مقدمه

انسان، موجودی اجتماعی است که تلاش دارد در برقراری ارتباط با دیگران به تأمین نیازهای مادی و معنوی خویش پردازد. باید دانست که کیفیت و کمیت ارتباط او نیازمند داشتن قوانین یا ضوابط است؛ زیرا در صورت نبود یک برنامه جامع و جاودانه یا غیرالهی بودن آن برنامه، آن زندگی دچار انحطاط اخلاقی و عقیدتی می‌گردد. به عبارت دیگر، برنامه‌ای که حاصل تولید فکر و ذهن بشر خطاپذیر باشد، نتیجه‌ای جز زیاده‌خواهی و هرج و مرج ندارد و جامعه را دچار انحراف می‌کند؛ بنابراین، ضرورت تولید محتوا و کنترل رفتارهای اجتماعی از حیث کمی و کیفی ایجاب می‌کند تا انسان مطیع قوانین الهی در حوزه زندگی اجتماعی باشد.

دین مبین اسلام با توجه با جامعیت، جاودانگی و شناختی که از نیازهای مادی و معنوی انسان دارد، تأمین این نیاز را در قالب فقه برآورده کرده است. چنان‌که دین در ساحت فردی افعال مکلفین را مورد مطالعه و برای آنان احکامی مشخص می‌کند؛ در عرصه تعاملات اجتماعی به جهت ضرورت بقای اجتماع مومنین در مسیر مستقیم الهی، برنامه‌های هدفمندی را برای امت معین می‌کند؛ بنابراین، بخشی از فقه متوکل تنظیم زندگی اجتماعی مسلمانان است. این دانش بر آن اهتمام دارد تا به تمامی مؤلفه‌های زندگی اجتماعی توجه کند و دستورات ایجابی یا سلبی را در تنظیم رفتارها صادر کند که در این نوشتار از آن به فقه اجتماعی نام می‌بریم.

با مشخص شدن موضوع بحث، اکنون باید به این پرسش‌ها پاسخ داد که از چه زمانی فقه اجتماعی در زندگی مسلمانان مورد توجه بوده است؟ آیا شیعیان در زندگی خود به فقه اجتماعی توجه کرده‌اند؟ آنان برای تنظیم رفتارهای جامعه اسلامی چه آثاری را تولید کرده‌اند؟ پابندی مردم در حوزه فقه اجتماعی از چه وضعیتی برخوردار بوده است؟ پاسخ به این پرسش‌ها بخشی از ابهامات در عرصه آثار فقه اجتماعی در زندگی شیعیان را مشخص کرده و مسیر مطالعه‌ی دیگر ابعاد و زوایا را برای پژوهشگران آماده خواهد ساخت. امری که می‌تواند اهمیت فقه اجتماعی را برای صاحبان امر مبرهن کرده و در مطالعه و کاربرست مباحث فقهی، نگاه کلان اجتماعی را در منظر صاحبان فتوا قرار

دهد. از آن جا که در حوزه تاریخ فقه اجتماعی، اثر مستقلى در بررسى آثار فقه اجتماعى در زندگى شيعيان اماميه توليد نشده است، ضرورى بود در گام نخست پژوهشى در چارچوب مقاله مذکور به آن پرداخته شود. کتاب فقه اجتماعى مصاحبه سيزده تن از استادان حوزه و دانشگاه است که با تلاش محمدباقر ربانى تدوين شده است که هر يك از استادان در مصاحبه خود به تعريف و محدوده فقه اجتماعى و کارکرد آن پرداخته و ورودى به موضوع پژوهش حاضر نداشته‌اند. اين پژوهش تلاش دارد با روش تحقيقات تاريخى و استفاده از روش مطالعات داده بنیاد در حوزه علوم اسلامى، نتايج به دست آمده را پيش روى محققان قرار دهد. منظور از آثار فقه اجتماعى، هر بروندادى است که در نتيجه توجه به ساحت فقه اجتماعى در زندگى شيعيان حاصل شود؛ حال چه در قالب يك سنت دائمى، يا اصلاح يك بدعت و رفتار نامطلوب اجتماعى و يا هر پديده ديگر که در زندگى جمعى جامعه نمود داشته باشد. شيعيان در اين تحقيق به هر كسى که پس از رسول خدا ﷺ به جانشينى بر حق اميرالمومنين عليه السلام و فرزندان وى تا شهادت حضرت امام حسن عسکرى عليه السلام که اعتقاد قلبى و عملى داشته باشد اطلاق مى شود. دوره‌اى که از آن مى توان به زمان حضور نام برد. بازه زمانى که معصوم عليه السلام حضور داشته و شيعيان هر چند با سختى ها و مرارت ها، ولى با معصوم ارتباط داشته و مسائل و مشکلات خود را حضورى با امام خود در ميان مى گذاشتند. پس از بررسى تاريخچه توجه به فقه اجتماعى در زمان حضرات معصومين عليه السلام به بيان راهبردهاى اهل بيت عليهم السلام در تبين فقه اجتماعى و آثار آن در زندگى شيعيان پرداخته خواهد شد.

۱. مفهوم فقه اجتماعى

فقه اجتماعى در مقابل فقه فردى قرار دارد و به موضوعات و مسائل اجتماعى مى پردازد. در اين نگاه، تمامى ابواب فقه ناظر به امور اجتماع و اداره کشور دیده مى شود و درصدد آن است تا با کمک آن، ارزش ها، باورها و فعاليت هاى اجتماعى را تنظيم کند. به عبارت ديگر، فقه اجتماعى به جامعه پذير کردن مردم و تنظيم رفتارهاى اجتماعى با ويکرد فقهى اهتمام ورزيده و موجب سلامت جامعه مى گردد.

۲. تاریخچه توجه به فقه اجتماعی

۱-۲. زمان رسول الله ﷺ

تصور عامیانه شاید بر این باشد که چون رسول الله ﷺ نمی توانست بنویسد و ممنوعیت نگارش حدیث و سیره نیز تا زمان عمر بن عبدالعزیز ادامه داشته است (ابن سعد، ۱۴۱۸ق، ص ۱۲۹؛ نووی، بی تا، ص ۱۲۹)، بنابراین آثار تولیدی در حوزه مباحث اجتماعی به سده دوم برمی گردد، اما باید دانست که شواهد موجود حکایت از آن دارد که آن حضرت از دو طریق به مسئله فقه اجتماعی توجه خاص داشت.

رسول الله ﷺ در دوره رسالت خویش، برای رغبت بیشتر مردم به دین، در گام نخست به امر آموزش آداب و معاشرت دینی و روابط اجتماعی مسلمانان با یکدیگر پرداخت. به عنوان نمونه، آن حضرت، مصعب بن عمیر را به مدینه فرستاد تا قرآن و تعالیم اسلام از جمله فقه و آداب مسلمانی را به آنان آموزش دهد (ابن هشام، بی تا، ص ۴۳۴) طبری (م ۳۱۰ق) نیز نقل می کند: «وقتی فرستادگان بنی الحارث بن کعب رفتند، رسول خدا ﷺ، عمرو بن حزم انصاری را فرستاد که افزون بر آموزش فقه، دین، سنت پیامبر ﷺ و آداب مسلمانی، آنان را فقیه بار بیاورد» (طبری، ۱۹۸۷ق، ج ۳، ص ۱۲۸).

اقدام دیگر رسول الله ﷺ امر به تدوین یا نگارش متونی بود که در آنها امور اجتماعی مورد توجه قرار می گرفت. به عنوان نمونه، لوحی از رسول الله ﷺ در دست حضرت زهرا علیها السلام وجود داشت که حاوی آداب اجتماعی و صفات مؤمنان بود و هنگامی که شخصی در این باره پرسشی داشت، آن حضرت محتوای متن را بر پرسش گر قرائت می کرد (کلینی، ۱۴۰۴ق، ج ۲، ص ۶۶۷).

۲-۲. زمان اهل بیت علیهم السلام

۱-۲-۲. زمان امیرمؤمنان علی علیه السلام

بعد از رحلت رسول الله ﷺ، اگرچه خلفا سیره نبوی را تغییر داده یا تحریف کردند و حتی مانع از نگارش بسیاری از ابعاد سیره و سنت نبوی شدند، اما امیرمؤمنان علی علیه السلام

برخلاف این جریان ضمن تأکید بر نگارش و نقل سیره، بر ترویج فقه به ویژه فقه اجتماعی و آموزش آن در زندگی مردم اهتمام ورزید. امیرمؤمنان علی علیه السلام، افزون بر سفارش به یادگیری آموزه‌های دینی، آموزش مردم را حقی بر والی می‌دانست و معتقد بود که حاکم اسلامی موظف است تمامی معارف اسلامی و ایمانی را به افراد تحت حکومتش آموزش دهد (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ق، ج ۲، ص ۲۹)؛ بنابراین ایشان، از هر فرصتی و هر روشی برای تعلیم عموم مردم استفاده می‌کرد (ابن بابویه، ۱۳۶۲ق، ص ۶۱۰). امام باقر علیه السلام می‌فرماید: «هنگامی که علی نماز صبح به جا می‌آورد، همواره در حال تعقیب نماز می‌ماند تا خورشید طلوع می‌کرد. هنگام طلوع خورشید، تهیدستان، مستمندان و دیگر اقشار جامعه نزد او جمع می‌شدند و به آنان فقه و قرآن می‌آموخت» (ابن ابی‌الحدید، ۱۴۰۴ق، ص ۱۰۹).

از دیگر اقدامات امیرمؤمنان علیه السلام، تدوین آثاری چون کتاب الديات یا کتاب الفرائض^۱ (کلینی، ۱۴۰۴ق، ج ۷، ص ۳۰۳) و الجامعة یا کتاب علی بود (طوسی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۲۴۳). شاگردان نیز که بیشتر از شیعیان بودند، سخنان امام را ثبت می‌کردند تا برای آیندگان باقی بماند. چنان که برخی از صحابه مجموعه‌ای از فتاوی امام در باب دیات را می‌نگاشتند؛ امام نیز آنها را برای کارگزارانش ارسال کرد (کلینی، ۱۴۰۴ق، ج ۷، ص ۳۰۳). حارث أعمور نیز صحیفه‌هایی (دفترهایی) را خرید و از آن حضرت در آن دفترها، علوم بسیاری را نوشت (ابن سعد، ۱۴۱۸ق، ج ۶، ص ۲۰۹؛ خطیب بغدادی، ۱۹۷۴م، ص ۹۰). حارث أعمور و محمد بن قیس بَجَلی قضاوت‌های امام را نگاشته و بَجَلی بعدها آن را بر امام باقر علیه السلام عرضه کرد. (نجاشی، ۱۴۱۶ق، ص ۳۲۳) (ابورافع کاتب امام نیز صاحب کتابی فقهی با عنوان السنن و الأحکام و القضايا بود (نجاشی، ۱۴۱۶ق، ص ۶). کتاب فقهی ابورافع در میان شیعیان یک منبع مشهور و مَبْرُوب است که آن را از همدیگر می‌آموختند و از آن نسخه‌برداری می‌کردند (نجاشی، ۱۴۱۶ق، ص ۷).

۱. کتاب عروه اختصاص به امیرمؤمنان علی علیه السلام داشته و تا زمان امام رضا علیه السلام در دست شیعیان بوده و امام رضا علیه السلام آن را تأیید کرده است.

عملکرد آموزشی امیرمؤمنان علی علیه السلام در تولید متن و آموزش عمومی آن‌قدر زیاد و پر ثمر بود که بعدها محمد بن حسن شیبانی از عالمانی عامه یادآور شده است که اگر علی علیه السلام نبود، ما دربارهٔ حکم اهل بَغی چیزی نمی‌دانستیم؛ بنابراین وی تک‌نگاشتی در احکام بَغی نوشت و در آن سیصد مسئله را بر مبنای فعل آن حضرت بنا نهاد (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹ق، ج ۲، ص ۴۴).

۲-۲-۲. زمان امام حسن علیه السلام تا امام صادق علیه السلام

امام حسن علیه السلام و امام حسین علیه السلام همانند اقدامات امیرمؤمنان علی علیه السلام بر بیان و تدوین فقه اهتمام داشتند. پس از این دو امام، در زمان امام سجاد علیه السلام با حمایت امویان از عالمانی درباری، شاهد رشد دانش فقه عامه هستیم. عصری که بنابر گفته منابع روایی و تاریخی زمان فقاقت نام گرفت (طبری ۱۳۸۷ق، ج ۶، ص ۴۹۱). فقیهان هفت‌گانه^۱، که برخی از آنان از خاندان‌های بزرگ و مشهور در نزد عامه مردم بودند، ظهور کردند. امام سجاد علیه السلام کاری کرد که به آگاه‌ترین فرد به فقه در مدینه (ابن‌عساکر، ۱۴۱۷ق، ج ۴۱، ص ۳۸) و افضل دانشمندان زمان خویش شهرت یافت. نتیجه علمی و عملی فعالیت‌های امام آن بود که ضمن عرضه فقه نبوی صلی الله علیه و آله به عالمانی عامه، برخی از باورهای فقهی آنان را تصحیح (ابن بابویه، ۱۳۶۲ق، ج ۲، ص ۵۳۴) و به مبارزه با فقیهان درباری که جعل حدیث می‌کردند، پرداخت (ابن شعبه، ۱۴۰۴ق، ص ۲۷۴؛ یعقوبی، بی‌تا، ص ۲۶۲).

امام باقر علیه السلام نیز همانند پدرش، برای متمایز کردن جامعه شیعه از دیگران بر محوریت فقه اجتماعی که تمایز هویت اجتماعی را نمایان می‌کند، اهتمام جدی داشت. بنابر سخنان امام صادق علیه السلام، با آموزش‌های امام باقر علیه السلام شیعیان از دیگر مردم بی‌نیاز شدند و پس از آن، این عامه بودند که به شیعیان نیازمند شدند (کلینی، ۱۴۰۴ق، ج ۲، ص ۲۰). آن حضرت هم‌چنین، به مبارزه با کسانی پرداخت که تلاش داشتند فقه شیعه و عامه را یکی

۱. «بن زبیر، سعید بن مسیب، قاسم بن محمد بن ابی‌بکر، ابوبکر بن عبدالرحمن بن حارث، سلیمان بن یسار، عبیدالله بن عُتبه بن مسعود و خارِجَه بن زید، فقه‌های هفت‌گانه هستند.»

می‌داند و اعلام می‌کردند که این نظر منطبق با دستورات فقهی امام باقر علیه السلام است. به‌عنوان نمونه ایشان، دیدگاه عبدالله بن عُمَیر لُیثی درباره حرمت متعه را نقد کرد (کلینی، ۱۴۰۴ق، ج ۵، ص ۴۴۹؛ طوسی، ۱۴۰۷ق، ج ۷، ص ۲۵۰).

شرایط سخت سیاسی و اجتماعی در زمان امام باقر و امام صادق علیهما السلام زمینه مهمی بود تا بحث فقهی تقیه در جامعه شیعه به‌صورت جدی مطرح گردد. بنا به گفته مالک بن انس (م ۱۷۹ق)، در دوره اموی، قادر نبودم از جعفر بن محمد روایتی نقل کنم (ذهبی، ۱۴۱۳ق، ج ۶، ص ۲۵۶). در زمان عباسی نیز شرایط آن‌چنان سخت بود که امام برای حفظ جان شیعیان، گاهی آنان را مأمور به تقیه در مسائل فقهی می‌کردند (طوسی، ۱۴۰۹ق، ج ۲، ص ۶۰۱). به‌عنوان نمونه، برخی از شیعیان احکام اجتماعی خود را نمی‌دانستند و برخی از جمله عبدالملک بن عُتبه نَعَی درباره یکی از مسائل فقهی معاملات، به فقیهان - سنی - کوفه یعنی ابویوسف و ابوحنیفه مراجعه کرد (طوسی، ۱۴۰۷ق، ج ۷، ص ۱۸۸). هم‌چنین، برخی شیعیان احکام زناشویی، طلاق و مانند اینها را ندانسته و تحت تأثیر آموزه‌های اهل سنت قرار گرفتند (طوسی، ۱۴۰۹ق، ج ۲، ص ۶۹۴؛ قطب‌راوندی، ۱۴۰۹ق، ج ۲، ص ۶۴۲) یا نمی‌توانستند به آسانی از امام بپرسند؛ بنابراین خود را در قالب خیارفروش درآورده و پاسخ پرسش‌ها را دریافت می‌کردند (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹ق، ج ۴، ص ۲۳۸).

در شرایطی که بیان گردید، امام صادق علیه السلام به بیان و تشریح فقه اجتماعی اهتمام جدی داشت. به‌عنوان نمونه، زمانی اسماعیل بن فضل نظر امام صادق علیه السلام درباره متعه را جويا شد. آن حضرت نیز، وی را به عبدالملک بن جُریج مکی - از فقیهان اهل سنت - ارجاع داد. ابن جُریج نیز به حلال بودن متعه از نظر شیعه و سنی فتوا داد (کلینی، ۱۴۰۴ق، ج ۵، ص ۴۵۱؛ ذهبی، ۱۳۷۴ق، ج ۱، ص ۱۶۹).

در دوره امام صادق علیه السلام به‌دلیل نیازمندی‌های شیعیان، کار تبویب و دسته‌بندی حدیث شکل گرفت و شیعیانی چون یعقوب بن سالم کتابی مَبُوب در حلال و حرام نوشت (نجاشی، ۱۴۱۶ق، ص ۴۴۹). رساله‌های عملیه نیز از فعالیت‌هایی بود که زیر نظر آن حضرت منتشر می‌گردید. به‌عنوان نمونه، حریر بن عبدالله سَجِسْتانی صاحب کتاب الصلوة و نوادر بود و دانشمندان شیعه آن‌را در مجالس درس خود قرائت کرده و عموم شیعیان

به‌عنوان رساله فقهی از آن بهره می‌بردند (کلینی، ۱۴۰۴، ج ۳، ص ۳۱۱؛ نجاشی، ۱۴۱۶، ص ۱۴۴).
 عبیدالله بن ابی‌شعبه حلبی از جمله دانشمندانی است که کتابی در جامع مسائل فقه
 داشت و قبل از آن که آن را منتشر کند، بر امام صادق علیه السلام عرضه کرد. امام نیز کتاب را
 خوب ارزیابی کرد و فرمود: «آیا آنان (عامه) مثل چنین کتابی در اختیار دارند؟» (نجاشی،
 ۱۴۱۶، ص ۲۳۱).

پایندی به فقه از دیگر نکات قابل توجه در سبک زندگی معنوی و عبادی شیعیان
 از جمله امامیه است. دلیل این امر نیز پذیرش وجوب اطاعت از اهل بیت علیهم السلام است.
 چنان که عبدالله بن ابی‌یعفور حاضر نبود قربانی یهودیان مصر را بخورد و امام صادق علیه السلام
 نیز این کار او را تأیید کرد (طوسی، ۱۴۰۹، ج ۲، ص ۵۱۷)؛ بنابراین، آنان جهت تنظیم رفتار
 عبادی و شرعی، یا مستقیم از محضر امام پرسش شرعی را پرسیده یا به تهیه رساله‌ها یا
 استفتانات فقهی اهتمام می‌ورزیدند. به‌عنوان نمونه، مردی شیعی در عراق مسئله
 سه‌طلاقه بودن زن را از محضر امام صادق علیه السلام می‌پرسد (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹، ج ۴، ص ۲۳۸).

تحت تأثیر تفکر بنی‌امیه و بنی‌عباس و انحرافات فرقه‌ای، آسیب‌های اجتماعی
 بسیاری در جامعه پدید آمده یا گسترش یافت. فقر، فساد و بی‌بندوباری، فراموشی امر به
 معروف و نهی از منکر، راهزنی، کلینی، ۱۴۰۴، ج ۷، ص ۲۴۷) احتکار، ربا، اسراف و تبذیر،
 کم‌فروشی، گران‌فروشی و قمار (کلینی، ۱۴۰۴، ج ۵، ص ۱۲۳) بخشی از ناهنجاری‌های
 اجتماعی این دوره است. در گزارش‌هایی که موجود است، به‌نظر می‌رسد، زنا و
 همجنس‌بازی نیز یکی از آسیب‌های اجتماعی و اخلاق جنسی این دوره بوده است؛ زیرا
 چندین مرتبه این پرسش از امام صادق علیه السلام پرسیده شده است. به‌عنوان نمونه، جمعی از
 زنان مدینه نزد آن حضرت رفتند و از همجنس‌بازی (مساحقه) پرسیدند. آن حضرت
 فرمودند: «حد آن زنا است». زنی پرسید، این کار در قرآن مورد نهی قرار نگرفته است؟
 امام فرمود: «چرا! پرسیدند: کجای قرآن آمده است؟ امام فرمود: آنان اصحاب رس
 بودند» (کلینی، ۱۴۰۴، ج ۵، ص ۵۵۱) در خبر دیگری، همین پرسش را منصور عباسی از امام
 پرسید (کلینی، ۱۴۰۴، ج ۷، ص ۲۲۳).

در گفت‌وگویی که امام صادق علیه السلام با منصور عباسی دارد، یکی از این مشکلات

اجتماعی مردم که امام به آن اشاره کرد، کم‌فروشی در وزن است و از منصور درخواست کرد تا ضمن نظارت، به اصلاح این گونه امور پردازد (کلینی، ۱۴۰۴ق، ج ۸، ص ۳۶). از دیگر آسیب‌های اجتماعی این دوره، احتکار است؛ بنابراین، گاهی شیعیان از امام صادق علیه‌السلام درباره معنا و مفهوم یا مصادیق جنس احتکار می‌پرسیدند و ایشان جواب مناسب را می‌دادند. چنان‌که فرمودند: «احتکار آن است که گندم یا ارزاق عمومی را خریداری کنی که غیر از آن، در شهر نباشد و آن را انبار کنی و نفروشی» (ابن بابویه، ۱۴۰۴ق، ج ۳، ص ۲۶۶)؛ بنابراین در جهت اصلاح، فرمودند: «در زمان فراوانی، زمان ذخیره کالا چهل روز است و اگر بیشتر شد، ذخیره‌کننده ملعون است» (کلینی، ۱۴۰۴ق، ج ۵، ص ۱۶۵) هم‌چنین، فرمودند: «روغن، گندم، جو، خرما، کشمش از موادی است که نباید احتکار شوند» (کلینی، ۱۴۰۴ق، ج ۵، ص ۱۶۴). امام صادق علیه‌السلام درباره گران‌فروشی و تأثیر آن بر جامعه فرمود: «گرانی قیمت‌ها، مردم را بدخلق می‌کند؛ امانت‌داری را از میان می‌برد و مسلمان در فشار و سختی را به ستوه می‌آورد» (کلینی، ۱۴۰۴ق، ج ۵، ص ۱۶۳).

از دیگر آسیب‌های اجتماعی، اسراف و تبذیر است. امام صادق علیه‌السلام به کسی که برای دریافت قرض آمده بود، به وی سفارش کرد: «از خدا بترس و اسراف و تبذیر نکن» (کلینی، ۱۴۰۴ق، ج ۳، ص ۵۰۱). در سفارش دیگری، شیعیان را به اقتدار - یعنی میانه‌روی در مصرف - فراخواند (کلینی، ۱۴۰۴ق، ج ۴، ص ۱۵۳). شراب‌خواری، غنا به ویژه رواج خوانندگی زنان و نوازندگی با عود (کلینی، ۱۴۰۴ق، ج ۵، ص ۱۲۰) نیز از دیگر مسائل اجتماعی بود و گاهی شیعیان از این وضعیت به امام شکایت می‌کردند (طوسی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۱۱۶). امام صادق علیه‌السلام هنگامی که در حیره بود، یکی از کارگزاران منصور یک مهمانی بزرگ تدارک دید و امام را نیز دعوت کرد. امام با دیدن شراب در سر سفره بلند شد و فرمود: «ملعون است کسی که بر سر سفره‌ای بنشیند که در آن شراب می‌خوردند» (کلینی، ۱۴۰۴ق، ج ۶، ص ۲۶۸).

۲-۳. زمان امام کاظم علیه‌السلام تا غیبت صغرا

اگرچه سازمان و کالت کار خود را از زمان امام صادق علیه‌السلام شروع کرد، اما از زمان

امام کاظم علیه السلام به بعد مراجعه عموم مردم به دانشمندان شیعه به یک فرهنگ عمومی تبدیل شد و تا حدودی جایگاه مراجعه مستقیم به امام معصوم علیه السلام را جبران می کرد. با این حال، در این دوره پرسش از امام ناظر به نیازهای شخصی، جامعه و مسائل مستحدثه اوج گرفت و پرسش ها صورت فنی، تخصصی و فقیهانه به خود گرفت؛ بنابراین مجموعه کتاب هایی با عنوان المسائل (عریضی، ۱۴۰۹ق، ص ۶۶) یا همان استفتائات در این دوره پدید آمد که برگرفته از این پرسش ها بود (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۱، ص ۲۵۵). یونس بن عبدالرحمان نیز کتابی با عنوان یوم و ليله که کتابی در فقه اجتماعی بود، نگاشت و شیعیان از آن به عنوان متن آموزشی و رساله فقهی در انجام اعمال مربوط روز و شب را استفاده می کردند (طوسی، ۱۴۰۹ق، ج ۲، ص ۷۸۰).

امام کاظم علیه السلام، در راستای هویت بخشی اجتماعی به رفتارهای شیعیان، خطاب به آنان فرمود: «ای شیعیان! شما دشمنان زیادی دارید. پس در مقابل دشمن، خود را حقیر جلوه ندهید، بلکه با سیادت و آقایی در جامعه ظاهر شوید و تا آن جا که می توانید، خود را زیبا و وجیه نشان دهید» (کلینی، ۱۴۰۴ق، ج ۶، ص ۴۸۰). ایشان، در فرمایش دیگری خطاب به برخی اصحاب فرمودند: «شیعیان ما از چهار چیز بی نیاز نیست؛ سجاده ای که در آن نماز بخواند، انگشتری که به دست کند، مسواک را مرتب انجام دهد و تسبیحی که درست شده از خاک قبر امام حسین علیه السلام است» (طوسی، ۱۴۰۷ق، ج ۶، ص ۷۵).

باتوجه به نقش فعال امام رضا علیه السلام در مباحث علمی، مراجعه به ایشان تبدیل به یک فرهنگ گردید و عموم شیعیان مسائل خود را به محضر امام رضا علیه السلام می فرستادند تا پاسخ مناسب را دریافت کنند. آنان مجموعه پرسش های خود و پاسخ های امام را با عنوان المسائل الرضا و مسائل الی الرضا منتشر می کردند (نجاشی، ۱۴۱۶ق، ص ۲۰۲). بر اساس گزارش های نجاشی (م ۴۵۰ق)، کتاب هایی با عنوان مسائل الی الرضا، مسائل الرضا، مسائل الصباح بن نصر هندی للرضا، مسائل زکریابن آدم للرضا، مسائل للرضا و مسائل عن الرضا (نجاشی، ۱۴۱۶ق، ص ۴۷۰) از سوی شیعیان به نگارش در آمده است. جالب آن که شیخ طوسی (م ۴۵۰ق) کتاب مسند الرضا اثر اسماعیل بن رزین را از هلال حَقَّار شنیده است (طوسی، ۱۴۲۰ق، ص ۳۹۴).

امامان بعدی شیعیان امامیه از امام جواد علیه السلام تا حضرت حجت علیه السلام نیز در تدوین و تشریح فقه اجتماعی تلاش‌های زیادی کردند. آنان با صدور روایات، تلاش کردند تا نیازهای جامعه شیعه در ارتباطات اجتماعی با دیگران یا حل و فصل نزاع‌ها و مانند اینها را برآورده کنند. روایاتی که بعدها در کتاب‌های فقهی در باب‌هایی همانند «آداب العشره» یا «باب العشره» در دسترس قرار گرفت یا در دیگر عناوین اجتماعی و مباحث سبک‌زندگی منتشر گردید. کتاب الزینه نگاشته احمد بن محمد بن خالد برقی (م ۲۷۴ق)، کتاب‌های الأطعمة، الأشربة و اللباس تألیف عبدالعزیز بن یحیی بن احمد جلودی آزردی (م ۳۳۲ق)، کتاب‌های التجمل، الزینه، المعاش، التنبیه، الاخوان، الأغذیه و الأظعمة نگاشته احمد بن محمد بن حسین (ابن دؤل م ۳۵۰ق)، کتاب‌های الأظعمة، الأشربة، الزی و التجمل، الدواجن و الرواجن نگاشته محمد بن یعقوب کلینی (م ۳۲۹ق)، کتاب‌های الاخوان، النساء و الولدان نگاشته علی بن حسین بن موسی قمی (م ۳۲۶ق) و کتاب‌های اللباس و السواک اثر شیخ صدوق (م ۳۸۱ق) از جمله این آثار است.^۱

۳. راهبرد اهل بیت علیهم السلام در تبیین فقه اجتماعی

تبیین فقه اجتماعی در میان مردم و به عبارت دیگر، آشنا و پایبند کردن مردم به فقه، نیازمند راهبردها و راه کارهای متعددی است. در زمان حضور، حضرات معصومان علیهم السلام تلاش داشتند تا با بهره‌گیری از این راهبردها به اهداف خود برسند؛ بنابراین، در این بخش به مهم‌ترین راهبردهای آنان که تأثیراتی را نیز داشته است، پرداخته می‌شود.

۱-۳. بیان حکم شرعی مسائل اجتماعی

بیان حکم شرعی رفتارهای مشروع و نامشروع اجتماعی یکی از اقدامات هدایت‌گری اهل بیت علیهم السلام بود. آنان احکام را بیان می‌کردند تا کسانی که نمی‌دانند آگاه شوند و اگر کسی هم عقاب رفتاری را نمی‌داند، متنبه گردد. برپایه این اهمیت بود که امیر مؤمنان

۱. «مراد مطالعه درباره این آثار و مؤلفان، ر.ک: احمد بن علی نجاشی، الرجال.

علی علیه السلام، احکام کسب و کار در بازار را روزی دو مرتبه به بازاریان چنین یادآوری می‌کرد: «ای گروه تجار! اول یاد گرفتن احکام معاملات و بعد تجارت» (ابن بابویه، ۱۴۰۴ق، ج ۳، ص ۱۹۵). بنا بر برخی اخبار، ایشان، هنگام ورود به بازار، در آغاز به آنان سفارش می‌کرد، اول فقه تجارت (مفید، ۱۴۱۳ق، ص ۵۹۱) را خوب بیاموزند و بعد تجارت کنند، تا دچار ربا نشوند (کلینی، ۱۴۰۴ق، ج ۵، ص ۱۵۴).

بیان حکم شرعی برخی امور اجتماعی همانند شراب‌خواری نیز که به یک عادت ناهنجار اجتماعی در مجالس ثروتمندان و خلفا تبدیل شده بود، بخشی از اقدامات امام صادق علیه السلام بود. مانند آنچه در لعن کردن حضرت از شخص حاضر در سفره مشروب یکی از کارگزاران منصور گذشت (کلینی، ۱۴۰۴ق، ج ۶، ص ۲۶۸). در گزارش دیگری ضمن نهی از قمار، به تبیین حرمت شرب خمر پرداخت. ایشان با استناد به آیات الهی علت حرمت شرب خمر را برای مهدی عباسی تبیین نمود و مهدی به توان استدلال فقهی امام اعتراف نمود (کلینی، ۱۴۰۴ق، ج ۶، ص ۴۰۶). تبیین حکم زنا و همجنس‌بازی نیز یکی از آسیب‌های اجتماعی و اخلاق جنسی دوره امام صادق علیه السلام بود؛ که در بخش‌های قبلی این تحقیق به آن اشاره شد (کلینی، ۱۴۰۴ق، ج ۷، ص ۲۰۳).

۲-۳. مرجع قراردادن سیره و سنت نبوی صلی الله علیه و آله و سلم

راهبرد دیگر اهل بیت علیهم السلام در تبیین فقه اجتماعی و کاستن آسیب‌ها، ارجاع مسلمانان به کتاب خدا و سیره نبوی بود. به عبارت دیگر، افزون‌بر تقویت و توجه‌دادن مردم به خودکنترلی یا تقوای الهی و معنابخشی به زندگی، آموزش و پایه قراردادن قرآن و سنت نبوی، کمک شایانی به مردم می‌کرد تا مسلمانان رفتارها، باورها و ارزش‌های خود را براساس آن منطبق کنند؛ زیرا سنت نبوی حجت بوده و عدول از آن جایز نیست. به‌عنوان نمونه، امیرمؤمنان علی علیه السلام در راستای مبارزه با تبعیض مالی و نژادی، بر نحوه تقسیم اموال بر پایه سیره و سنت نبوی صلی الله علیه و آله و سلم تأکید کرد؛ به گونه‌ای که آنان نیز به این سنت اعتراف کردند (مفید، ۱۴۱۳ق، ص ۱۵۱)، ایشان هم‌چنین، فرمودند: «دفاتر حقوق و عطایا را که پیش‌تر بر ملاک‌های طبقاتی تعیین شده بود، از میان بردم و مانند سنت رسول خدا

سرانه را به مساوات تقسیم کردم و آنرا در دست کاگزار نااهل قرار ندادم» (کلینی، ۱۴۰۴ق، ج ۸، ص ۶۱).

۳-۳. جامعه‌پذیر کردن مردم (ارشاد و امر به معروف)

یکی دیگر از راهبردهای اساسی اهل بیت علیهم‌السلام در تبیین فقه اجتماعی، جامعه‌پذیر کردن مردم بود. جامعه‌پذیر کردن یعنی، توجه و تأکید بر ارشاد امت یا تبیین رفتارهای صحیح اجتماعی و زندگی مسالمت‌آمیز با دیگران یا به عبارت دیگر تبیین ارزش‌های اجتماعی رفتاری آنان است. فرایندی که مردم به تدریج با باورها، ارزش‌ها و رفتارهای دینی جامعه خود آشنا می‌شوند. به عنوان نمونه، امام صادق علیه‌السلام در راستای تقویت روحیه جامعه، در دستورات متعددی به شیعیان چنین سفارش فرمود: «کرامت‌های اخلاقی ده تا است. پایمردی در نبرد، راست گفتاری، امانت‌داری، صله رَحِم، میهمان‌نوازی، اطعام فقیر، جبران نیکی‌ها، رعایت حقوق همسایه، دفع ضرر از رفیق و برترین آنها حیا است» (کلینی، ۱۴۰۴ق، ج ۲، ص ۵۵). پرهیز دادن شیعیان از ناسزاگویی، (کلینی، ۱۴۰۴ق، ج ۲، ص ۳۲۶) پرهیز از عصبانیت و تحقیر همدیگر، سفارش به خوش اخلاقی، مدارا با دشمن، (کلینی، ۱۴۰۴ق، ج ۸، ص ۸۷) هم‌صحبتی با مردم، خردمندی، صبر، از دیگر دستورات اخلاق اجتماعی امام صادق علیه‌السلام نسبت به اصحاب بود (کلینی، ۱۴۰۴ق، ج ۲، ص ۶۳۷). حضور در اجتماع و انجام فعالیت‌های اجتماعی نیز همواره مورد توجه امام صادق علیه‌السلام بود و شیعیان را نیز بر آن سفارش می‌کرد. ایشان، خطاب به شیعیان فرمودند: «شما مجبور به زیستن با مردم هستید؛ در حقیقت کسی نیست که تا زنده است از مردم بی‌نیاز باشد و ناچار مردم باید با همدیگر سازش داشته باشند» (کلینی، ۱۴۰۴ق، ج ۲، ص ۶۳۵).

با رواج بی‌بندوباری، امویان و عباسیان مردم را مشغول به آن کرده و از مسلمانی اکتفا به ظواهر را پیشه خود ساختند اما اهل بیت علیهم‌السلام مردم را از این ظواهر عبور داده و باطن و مفهوم حقیقی دین را آموزش می‌دادند. به عنوان نمونه، امام سجاد علیه‌السلام فرمودند: «معجت و دوستی در راه خدا و همکاری در اعمال شایسته را از دست

ندهید؛ زیرا این دو ریشه شیطان را می‌کنند؛ اگر قاتل علی بن ابی طالب علیه السلام امانتی به من سپارد به او بازگردانم؛ خدا آدم لعنت‌گر، دشنام‌گو، طعنه‌زن، زشت‌گفتار، بدزبان و گدای سمج را دشمن دارد و مردم بردبار، عفیف و پارسا را دوست دارد» (ابن شعبه، ۱۴۰۴ق، ص ۲۹۹).

بیان گردید که یکی از کارهای اساسی در جامعه‌پذیر کردن مردم، پایبند کردن آنان به دستورات اجتماعی مبتنی بر دین اسلام است. اهل بیت علیهم السلام تلاش کردند تا در هدایت‌گری، این پایبندی اصحاب را به یک جریان و نقش حداکثری تبدیل کنند. چنان‌که امام صادق علیه السلام به شیعیان امر می‌کرد تا به اصولی پایبند باشند و تأکید داشتند که با این کار، زینت ما باشید (طوسی، ۱۴۱۴ق، ص ۴۴۰)؛ ایشان هم‌چنین، خطاب به یکی از اصحاب خود به نام حَیْمَه فرمود: «سلام ما را به شیعیان برسان و آنان را به تقوای الهی، کمک توانگران به فقرا و ناتوان، حضور در تشییع جنازه و صلّه رحم سفارش کن، زیرا برخورد آنان - مایه - زنده شدن - ولایت - ما است»؛ سپس دست به دعا برداشت و فرمود: «خدا رحمت کند کسی را که امر ما را زنده کند» (حمیری، ۱۴۱۳ق، ص ۳۲). هم‌چنین خطاب به زید شَحَام فرمود: «به هر کس از مردم - کوفه - که فکر می‌کنی از من اطاعت کرده و به گفتار من عمل می‌کند، سلام من را برسان و برای یادگیری نزد او برو. هر کس از شما که در دینش پارسا، راستگو، امانت را به صاحبش برگرداند و اخلاقش با مردم خوب باشد، می‌گویند: این جعفری است و این من را شاد می‌کند و می‌گویند: این از آثار تعالیم جعفر بن محمد است» (کلینی، ۱۴۰۴ق، ج ۲، ص ۶۳۶).

۳-۴. نظارت بر رفتارها

کنترل و نظارت بر باورها، رفتارها و ارزش‌های اجتماعی شیعیان یا نهی از انجام فعالیت‌های اخلاقی و ناهنجاری‌ها، از دیگر راهبردها و راه کارهای تربیت اجتماعی امام صادق علیه السلام بود. چنان‌که ایشان با یاددادن آداب آموزشی به ابوبصیر، او را از شوخی کردن با زنان برحذر داشت و ابابصیر از این کار پشیمان گردید (طوسی، ۱۴۰۹ق، ج ۱، ص ۴۰۴)، در گزارش دیگری، ابراهیم بن مهزَم گوید: «ما هنگامی که وارد مدینه

شدیم، در منزلی ساکن شدیم؛ صاحب منزل کنیز زیبایی داشت و من فریفته او شدم... روز بعد که خدمت امام صادق علیه السلام رسیدم، فرمود: ای مهزم امروز کجا بودی؟ عرض کردم من در مسجد بودم و از آنجا بیرون نشدم، حضرت فرمود: «نمی‌دانی کسی به ولایت ما نمی‌رسد، مگر این که تقوی و ورع داشته باشد» (صفا، ۱۴۰۴ق، ج ۱، ص ۲۴۳).

نظارت معصومان علیهم السلام بر رفتارها تنها انحصار به شیعیان نداشت، بلکه رفتارهای ناهنجار خلفا را نیز بررسی و تذکرات لازم را بیان می‌کردند. به‌عنوان نمونه، در گفت‌وگویی که امام صادق علیه السلام با منصور عباسی دارد، یکی از این مشکلات اجتماعی مردم که امام به آن اشاره کرد، کم‌فروشی در وزن است و از منصور درخواست کرد تا ضمن نظارت، به اصلاح این‌گونه امور بپردازد (کلینی، ۱۴۰۴ق، ج ۸، ص ۳۶).

۴. آثار فقه اجتماعی در زندگی شیعیان

تبیین و تشریح فقه اجتماعی توسط اهل‌بیت علیهم السلام آثار با ارزشی بر رفتارهای جامعه شیعه گذاشت. شکل‌گیری نمادهای شیعی، تنظیم سبک زندگی، آداب و رسوم، هم‌زیستی با دیگران، پایبندی به رفتارهای ارزشی و فقهی، بخش‌هایی از آثار فقه در زندگی اجتماعی هستند.

۴-۱. شکل‌گیری و توسعه نمادها

نماد، بحث مهمی در حوزه جامعه‌شناسی، مردم‌شناسی، فرهنگ و امثال آن به شمار می‌آید؛ بنابراین، هر مذهبی برای ماندگاری و متمایز کردن خود از نمادهایی بهره می‌برد. شیعه نیز از این امر مستثنی نبوده و نمادهایی را برای خود دارد. یکی از نمادهای غیرزبانی شیعی در دوره حضور «تختم به یمین» یا انگشتر در دست راست کردن، است. براساس روایت منقول از امام حسن عسکری علیه السلام این کار نشانه مؤمن بودن است (طوسی، ۱۴۰۷ق، ج ۶، ص ۵۲). این سنت ناشی از رفتار رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و اهل‌بیت علیهم السلام بود و شیعیان نیز در استفاده از آن به‌عنوان سنت، تمسک می‌جستند (ابن‌سعد، ۱۴۱۸ق، ج ۱، ص ۳۷۰)؛

چنان که عقیل بن ابی طالب، جعفر بن ابی طالب، عبدالله بن جعفر، عبدالله بن عباس انگشتر را در دست راست خود می گذاشتند (ابن سعد، ۱۴۱۸ق، ج ۴، ص ۲۷؛ ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹ق، ج ۳، ص ۲۰۳).

نماد دیگری که می توان برای شیعه بر مبنای روایت امام حسن عسکری علیه السلام ذکر کرد، «تعفیر جبین» (طوسی، ۱۴۰۷ق، ج ۶، ص ۵۲) به معنای بر خاک نهادن پیشانی یا دو طرف پیشانی است که کنایه از سجده بر خاک یا تواضع در برابر قدرت لایزال خداوند است. در کنار این نماد، می توان به تقدس و سجده بر تربت امام حسین علیه السلام اشاره کرد. ابومنصور ثعالبی (م ۴۲۹ق) درباره گروه مُنْفِذُ الطین می نویسد: «آنان گروهی هستند که ریش خود را با حنا خضاب کرده و ادعای تشیع دارند. آنان تسبیح و مهرهایی از خاک درست کرده یا می آورند و مدعی هستند که این خاک از قبر امام حسین علیه السلام بوده و آن را به شیعیان اهدا می کنند» (ثعالبی نیشابوری، ۱۴۰۳ق، ج ۳، ص ۴۲۳). هم چنین، داشتن پرچم و عَلم سفید در سده چهارم از نمادهای شیعی به حساب می آمد. شیعیان قم پرچم داشته (قمی، ۱۳۶۱ق، ص ۲۸۲) و فاطمیان بر روی پرچم های سفید، شعار «علی ولی الله» را می نوشتند (قزوینی، ۱۳۵۸ش، ص ۵۹۹) یحیی بن عبدالله در جبال و قرامطه حصص نیز سکه ای ضرب کردند که آیه مودت بر آن نوشته شده بود (بلاذری، ۱۴۱۷ق، ج ۲، ص ۶۳؛ ابن عدیم، بی تا، ج ۲، ص ۹۴۴).

اظهار «حی علی خیر العمل» در اذان یکی دیگر از نمادهای زبانی است که از همان شروع صدر اسلام به ویژه در زمان صادقین علیهم السلام مورد توجه شیعیان بوده تا با کمک آن خود را از دیگران متمایز کنند (مکی، ۱۴۱۹ق، ج ۳، ص ۲۱۴)؛ زیرا براساس روایات شیعی این فراز با موضوع امامت ارتباط تنگاتنگی دارد (ابن بابویه، ۱۳۹۸ق، ص ۲۴۱). اهمیت این نماد تا آن جا است که توسط اهل بیت علیهم السلام به شیعیان تعلیم و سفارش می گردید (ابن بابویه، ۱۴۰۴ق، ج ۱، ص ۲۹۰). برپایه اهمیت این نماد، شیعیان مناطق گوناگون از جمله یمن، مکه، طبرستان، حمص، حلب، دمشق، آندلس، قیروان، کوفه، بغداد، قاهره و ملتان هند در اذان خود به آن اهتمام می ورزیدند (محمد بن اسفندیار، ۱۳۶۶ق، ج ۱، ص ۲۴۰؛ حموی، ۱۳۹۹ق، ج ۴، ص ۳۰۲).

۴-۲. سبک زندگی و روزانه

یکی دیگر از محورهای فقه اجتماعی، سبک زندگی و زندگی روزانه است. نظام خانواده، خوراک، پوشاک، زینت و خودآرایی، اوقات فراغت، مشاغل، مسکن و شهرسازی، معماری، وسیله حمل و نقل، بهداشت و درمان، معنویت، نظام ارتباطی و نهادهای اجتماعی، روابط اجتماعی از مهم‌ترین مؤلفه‌های سبک زندگی هستند. این امور نیز به طور عمده تحت تأثیر از مذهب، فقه و اخلاق اسلامی هستند.

در بررسی منابع تاریخی، حدیثی و رجالی، داده‌های زیاد و ارزشمندی از سبک زندگی شیعیان وجود دارد که ما را در تحلیل دقیق تاریخ زندگی فرهنگی و اجتماعی آنان یاری می‌کند. داده‌هایی که تحت تأثیر از فقه بوده و بیانگر سبک زندگی شیعیان می‌باشد. به عنوان نمونه، درباره پوشاک، گزارش‌ها حکایت از آن دارد که زندگی شیعیان تحت تأثیر از فقه در حلال و پاک‌بودن یا جنس یا رنگ لباس و پوشاک بود؛ بنابراین، گاهی برخی از بزرگان امامیه همانند جابر بن یزید جعفی عمامه‌ای سرخ رنگ از جنس خز استفاده می‌کرد (طوسی، ۱۴۰۹ق، ج ۲، ص ۴۳۷) و زیاد بن مُنذر، کفش چرم نقش دار و سدیر صیرفی کفش سفید می‌پوشیدند (کلینی، ۱۴۰۴ق، ج ۶، ص ۴۶۷).

عیادت از مریض، (کلینی، ۱۴۰۴ق، ج ۳، ص ۱۱۸) تمیزی لباس، زینت و خودآرایی، (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹ق، ج ۴، ص ۳۴۱) استفاده از عطری که آن را از زعفران درست کرده‌اند، (طوسی، ۱۴۰۹ق، ج ۱، ص ۳۳۸) تبریک‌گویی برای ولادت فرزند، (کلینی، ۱۴۰۴ق، ج ۱، ص ۵۲۷) استفاده از کُنیه، (مقدسی، ۱۴۱۱ق، ص ۳۹۸) حضور در نماز جماعت (کلینی، ۱۴۰۴ق، ج ۳، ص ۲۶۷) و برقراری دوستی صمیمانه، (نجاشی، ۱۴۱۶ق، ص ۱۵۹) توپ‌بازی در اوقات فراغت، (طوسی، ۱۴۰۹ق، ج ۲، ص ۴۸۸) از دیگر سفارش‌های فقه اجتماعی است که شیعیان بر انجام آنها اهتمام داشتند. آنان حتی در نام‌گذاری فرزند نیز تلاش داشتند تا سبک زندگی خود را به سیره اهل بیت علیهم‌السلام گره بزنند؛ چنان‌که ربیع بن عبدالله گوید: «به امام صادق علیه‌السلام گفته شد: ما فرزندان خویش را به اسامی شما و پدرانتان نام‌گذاری می‌کنیم؛ آیا این کار به ما سودی می‌رساند؟ امام فرمود: «آری، به خدا سوگند، سود می‌رساند؛ آیا دین چیزی غیر از محبت است؟» (عیاشی، ۱۳۸۰ق، ج ۱، ص ۱۶۸).

۳-۴. همزیستی مسالمت‌آمیز با دیگر فرق و مذاهب

کیفیت همزیستی شیعه با دیگر فرق و مذاهب، از دیگر مباحث فقه اجتماعی است که پابندی به آن آثار اجتماعی و حتی سیاسی، فرهنگی و اقتصادی دارد. با وجود مرزبندی اعتقادی شیعه با دیگر مسلمانان، (نجاشی، ۱۴۱۶ق، ص ۱۷۲) بنای شیعه افزون‌بر حفظ وحدت درون‌مذهبی و پرهیز از اختلافات (کلینی، ۱۴۰۴ق، ج ۲، ص ۲۰۹) تعامل و همزیستی مسالمت‌آمیز با دیگر مسلمانان و اهل قبله بوده است. به‌عنوان نمونه، امام باقر علیه السلام به زُراه و حُمران بن أعین سفارش می‌کند تا برای حفظ وحدت جامعه اسلامی در نماز جمعه اهل تسنن شرکت کنند (کلینی، ۱۴۰۴ق، ج ۳، ص ۳۷۵). امام صادق علیه السلام نیز خطاب به زید شَحام، ابتدا نسبت به جامعه شیعه سفارش‌های لازم را بیان فرمود، سپس سفارش می‌کند تا آنان به عیادت بیماران اهل تسنن رفته و در تشییع جنازه آنان حضور یابند (کلینی، ۱۴۰۴ق، ج ۲، ص ۶۳۶؛ ابن بابویه، ۱۴۰۴ق، ص ۳۸۳). آن حضرت هم‌چنین، خطاب به ابوصَباح کِنانی سفارش می‌کند تا با اهل تسنن و ناصبیان مدارا و نقش اصلاحی داشته باشند (کلینی، ۱۴۰۴ق، ج ۳، ص ۳۷۵). شیعیان نیز بنابر سفارش امامان خویش، مراقب بودند تا رفتارشان باعث ایجاد تنش و کدورت با عامه نگردد (طوسی، ۱۴۰۹ق، ج ۱، ص ۳۷۷).

در آموزه‌های امامیه از تعامل و هم‌نشینی با برخی از زیدیه و واقفیه و عموم مرجئه، غالیان و منحرفان فکری از جمله خوارج و نواصب - که مانند غالیان محکوم به کفرند،^۱ به شدت نهی شده است؛ زیرا آنان دشمنی آشکاری داشته و مراوده با آنان باعث بدنامی یا تأثیرگذاری فکری بر شیعه می‌گردید (طوسی، ۱۴۰۹ق، ج ۲، ص ۵۸۶). به‌عنوان نمونه، برخی از خوارج ساکن کوفه به امیرمؤمنان علی علیه السلام ناسزا می‌گفتند (کلینی، ۱۴۰۴ق، ج ۳، ص ۱۳۳) یا در نزاع شیعیان و خوارج از جمله سیستان، برخی از شیعیان از جمله حریر بن عبدالله کشته شده و مسجد آنان تخریب گردید (مفید، ۱۴۱۳ق، ص ۲۰۷)؛ این خطرات زمینه‌ای بود، تا دانشمندان شیعه گاهی به جنگ با خوارج (کلینی، ۱۴۰۴ق، ج ۷، ص ۳۷۶) و غالیان (طوسی،

۱. از خوارج و نواصب، دشمنان امیرمؤمنان علی هستند. «برای مطالعه نظریه و حکم فقهی غالیان، ر.ک: احمد بن محمد بن فهد حلّی، المذهب البارع فی شرح المختصر النافع، ج ۱، ص ۱۲۳.

۱۴۰۹ق، ج ۲، ص ۸۰۷) یا به نقد آنان در قالب ردّیه و مناظره می‌پرداختند. به‌عنوان نمونه، علی بن رباب از امامیه هر سال سه روز با برادرش یمان خارجی مذهب، به مناظره می‌پرداخت (مسعودی، ۱۴۰۹ق، ج ۳، ص ۱۹۴). مؤمن طاق نیز کتابی با عنوان مجالسه مع ابی حنیفه و المرجئه دارد و چندین بار با ابوحنیفه به مناظره پرداخته است (نجاشی، ۱۴۱۶ق، ص ۳۲۶). هم‌چنین، خریزبن عبدالله سجستانی مناظراتی با ابوحنیفه داشت و به نقد دیدگاه اهل تسنن در موضوعات فقهی پرداخت. (طوسی، ۱۴۰۹ق، ج ۲، ص ۶۸۲). ابن مملک اصفهانی از عالمانی سده چهار نیز با ابوعلی جبائی معتزلی مناظره‌ای در باب امامت داشت (طوسی، ۱۴۲۰ق، ص ۵۴۷).

هم‌زیستی مسالمت‌آمیز شیعیان با مخالفان که تحت تأثیر از سیره اهل بیت علیهم‌السلام بود، به‌خوبی در منابع تاریخی و حدیثی منعکس گردیده است. شیعیان در سایه تعامل، رفتاری را اتخاذ می‌کردند تا ضمن حفظ وحدت اجتماعی و جلوگیری از پراکندگی جامعه اسلامی، معرف نظام فرهنگی و اجتماعی خویش باشند. چنان‌که علی بن علی خُزاعی و برادرش دِعیل که در سال ۱۹۸ قمری عازم خراسان بوده‌اند، وقتی به بصره رسیدند از بیماری ابوسعید عبدالرحمان بن مهدی رجالی مشهور اهل تسنن مطلع شدند، ایامی نزد وی ماندند تا اینکه در گذشت و در نماز میت او شرکت کردند (نجاشی، ۱۴۱۶ق، ص ۲۷۷). هم‌چنین، بنابر نقل ابوجعفر احمد بن یحیی اودی، شیعیان امامی و واقفی گاهی در کنار اهل تسنن در نماز جماعت مسجد جامع کوفه شرکت می‌کردند و جالب آن‌که پس از اقامه نماز، حرب بن حسن طحان و برخی دیگر از امامیه با حسن بن محمد بن سماعه از بزرگان واقفه نشسته و درباره علم امام حسین علیه‌السلام به شهادت و اطلاع زیدبن علی از شهادتش گفتگو کرده‌اند تا این‌که یک سنی در جمع حاضر، ماجرای درباره اطلاع امام هادی علیه‌السلام از علم غیب که خود شاهد بوده را نقل می‌کند (نجاشی، ۱۴۱۶ق، ص ۴۱).

در بررسی دیگر گزارش‌های تاریخی، شاهدیم که تعامل اجتماعی طرفینی میان شیعه و عامه همیشه وجود داشته است. به‌عنوان نمونه، حسین بن عون، نواده ابوالاسود دؤلی می‌گوید: «وقتی سید حمیری در بستر بیماری افتاد، به عیادتش رفتم. دیدم برخی همسایگانش که عثمانی (سنی) بودند نیز در آن‌جا حضور دارند» (طوسی، ۱۴۱۴ق، ص ۶۲۸).

در گزارش دیگری، آمده که ابوالفضل عثمانی مذهب، زُرْبِن حُبِیْش که علوی بود را تکریم می کرد (ابن حجر، ۱۴۱۵ق، ج ۲، ص ۵۲۳). افزون بر ارتباط صمیمی کمیت اسدی با طِرْقَاح خارجی مذهب به دلیل اشتراک عقیده در مخالفت با بنی امیه، (ابوالفرج اصفهانی، ۱۴۱۵ق، ج ۱۲، ص ۲۸۹؛ جاحظ، ۲۰۰۲م، ص ۳۹) در گزارشی دیگری ابن ابی یَعْفُور به عیادت یکی از خوارج، هنگام احتضارش رفت (کلینی، ۱۴۰۴ق، ج ۳، ص ۱۳۳). هشام بن حکم نیز شریکی تجاری از خوارج به نام عبدالله بن یزید داشت. این رابطه تا آن جا بود که ابن یزید از دختر هشام (فاطمه) خواستگاری کرد، اما هشام با بیان مؤمنه بودن دخترش، این ازدواج را نپذیرفت (ابن بابویه، ۱۳۹۵ق، ج ۲، ص ۳۶۳؛ مسعودی، ۱۴۰۹ق، ج ۳، ص ۱۹۴).

لازم به ذکر است تعامل و همزیستی با مخالفان به ویژه در زمان خفقان و به دلیل نگاه تحقیرآمیز عامه به شیعه، یکسان نبود. چنان که مخالفان، شیعیان را با عنوان رافضی، می آزرند (کلینی، ۱۴۰۴ق، ج ۲، ص ۵۱۲). عثمانی ها، ضمن تحقیر پیروی از اهل بیت علیهم السلام، عثمان را برتر از امیرمؤمنان علی علیه السلام می شمردند (ابن عساکر، ۱۴۱۷ق، ج ۱۵، ص ۱۳۴). شاید به همین دلیل است که زُراره و محمد بن ابی عُمَیر از شرکت در نماز جماعت آنان کراهت داشتند (کلینی، ۱۴۰۴ق، ج ۳، ص ۳۷۵). رفتار تحقیرآمیز عامه، گاهی فشارهایی را نیز بر شیعیان وارد می کرد؛ از این رو، برخی ناچار به مراعات تقیه بودند؛ چنان که سهل بن احمد دیباجی مذهبش را بسیار مخفی می کرد و در آخر عمر دینش را آشکار کرد (نجاشی، ۱۴۱۶ق، ص ۱۸۶). ابوطالب آنباری نیز که از عُباد شیعه بوده از ترس اینکه عامه، نمازش را ببینند و پی به مذهبش ببرند، در خرابه ها، کنیسه ها و کلیساها عبادت می کرد (نجاشی، ۱۴۱۶ق، ص ۲۳۲).

۴-۴. آداب و رسوم مذهبی

توجه شیعیان به آداب، رسوم و شعائر یا مناسک ملی، مذهبی و رفتارهای اجتماعی، بخشی از تاریخ اجتماعی شیعیان است که تحت تأثیر از نظام فقه اجتماعی است. بررسی این مناسک پس از حیات آنان می تواند تحلیل مناسبی درباره شیوه زندگی و ارتباط آن با باورهای مذهبی را به ما ارائه کند. به عنوان نمونه، صدقه، وقف و تشیع

جنازه که از امور اجتماعیات هستند، تحت تأثیر از فقه اجتماعی است.

افزون بر صدقه، (کلینی، ۱۴۰۴ق، ج ۴، ص ۱۱۱) وقف نیز یکی دیگر از رفتارهای ارزشی شیعیان است. این امر خداپسندانه، تحت تأثیر از دین اسلام و سفارش‌های اهل بیت است؛ چنان که حضرت زهرا علیها السلام زمین‌هایی وقفی داشت (کلینی، ۱۴۰۴ق، ج ۷، ص ۴۷). آنان در زندگی اجتماعی خویش چیزهایی را که مأذون و مشروع از طرف پیشوایان دین بود، از جمله آن که زمینی یا درآمد و منفعتی را وقف می‌کردند تا از این طریق به خدا تقرب جویند. به‌عنوان نمونه، اشعریان قم از جمله کسانی هستند که اموال منقول و غیرمنقول زیادی را وقف کردند که صالح بن محمد بن سهل متولی آنها از سوی امام جواد بود (کلینی، ۱۴۰۴ق، ج ۱، ص ۵۴۸). نیز در زمان امام جواد، اسحاق بن ابراهیم زمینی را برای حاجیان و فقرا وقف کرد (کلینی، ۱۴۰۴ق، ج ۷، ص ۳۶). هم‌چنین شخصی در ری قبرستانی را وقف شیعیان و عبدالعظیم حسنی کرد (نجاشی، ۱۴۱۶ق، ص ۲۴۸). در زمان غیبت نیز شماری از شیعیان یا عالمان به این امر اهتمام جدی داشتند؛ چنان که شاپورین اردشیر، دارالعلمی را وقف تحصیل دانشجویان کرد (ابن کثیر، ۱۴۰۷ق، ج ۱۱، ص ۳۱۲).

تشیع جنازه و دفن در کنار مرقد اهل بیت علیهم السلام یا اماکن مقدس، یکی دیگر از آداب و رسوم اجتماعی و تحت تأثیر از باورهای مذهبی شیعه است؛ تا جایی که امام صادق علیه السلام زید شحام را حتی به شرکت در تشیع جنازه اهل تسنن سفارش کرد (کلینی، ۱۴۰۴ق، ج ۲، ص ۶۳۶) چنان که تحت تأثیر از کلام و رفتار امام معصوم، شاهد حضور زُراره در تشیع جنازه یکی از بستگان امام صادق علیه السلام هستیم (کلینی، ۱۴۰۴ق، ج ۳، ص ۱۷۱). نیز در گزارشی از حضور شیعیان امامیه در تشیع جنازه حسن بن علی بن فضال فطحی مذهب آمده است، در همین مراسم محمد بن عبدالله بن زُراره بن اعین از امامیه، به یارانش بشارت داد، من شاهد بودم که ابن فضال، قبل از وفات از فطحی بودن عدول کرد و قائل به امامت بلافضل امام کاظم علیه السلام بود (نجاشی، ۱۴۱۶ق، ص ۳۵).

اندوهگین گردیدن و تسلیت گفتن به صاحب عزا از دیگر آداب شیعیان و تحت تأثیر از مذهب است (طوسی، ۱۴۰۹ق، ج ۲، ص ۸۳۵). از شیوه‌های رایج اظهار اندوه، تسلیت و تعزیت گفتن به بازماندگان است که شواهدی از رواج آن در میان شیعیان متقدم در منابع

روایی و تاریخی امامیه دیده می‌شود که از مشهورترین آنها نامه تسلیت شیعیان کوفه به امام حسین علیه السلام در شهادت امام حسن مجتبی علیه السلام است (یعقوبی، بی‌تا، ج ۲، ص ۲۲۸). اسحاق بن عمار می‌گوید: «همراه گروهی برای تسلیت در گذشت امام باقر علیه السلام نزد فرزندشان امام صادق علیه السلام بودیم» (عیاشی، ۱۳۸۰ق، ج ۱، ص ۶۸). نیز یعقوب احمر با عده‌ای از شیعیان بر امام صادق علیه السلام وارد شدند و آن حضرت را در مرگ فرزندشان اسماعیل تعزیت و تسلیت گفتند (کلینی، ۱۴۰۴ق، ج ۳، ص ۲۵۶). هم‌چنین محمد بن یحیی بن ذریاب پس از درگذشت ابو جعفر محمد بن علی - فرزند بزرگ امام هادی علیه السلام - خدمت امام رسید و رحلت فرزند ایشان را تسلیت گفت (کلینی، ۱۴۰۴ق، ج ۱، ص ۳۲۷).

نتیجه‌گیری

در بررسی و بازخوانی تاریخی تاریخ فقه اجتماعی، این نتیجه حاصل گردید که برای تنظیم تعاملات اجتماع بشری؛ نیاز به دستورات و آیین‌هایی است که بتوان آن را بر محور شریعت مقدس مدیریت کرد. اهل بیت علیهم السلام در دوره‌های گوناگون حیات خود، برای تنظیم زندگی اجتماعی مردم، کتاب قرآن و سنت نبوی را پایه قرار داده و به تبیین و تشریح کیفیت و کمیت زندگی اجتماعی آنان می‌پرداختند. از زمان رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم و پس از آن در زمان امامان شیعه، متون و محتوای فقه اجتماعی تولید گردید و همواره به‌عنوان فصل متمایزکننده زندگی اجتماعی شیعه مورد توجه قرار گرفت. بیان حکم مسائل اجتماعی، مرجع قراردادن کتاب و سنت برای حل و فصل مسائل اجتماعی، جامعه‌پذیر کردن مردم و نظارت بر رفتار آنان از جمله راهبردهای اهل بیت علیهم السلام برای تبیین فقه اجتماعی بود که آثار با ارزشی را در پی داشت. به‌عنوان نمونه، شکل‌گیری نمادها و سبک زندگی خاص شیعیان، هم‌زیستی مسالمت‌آمیز با دیگر فرق و اقامه آداب و رسوم اجتماعی دینی، بخش‌هایی از نتایج توجه به فقه اجتماعی در زمان حضور اهل بیت علیهم السلام بود.

فهرست منابع

* قرآن کریم

* نهج البلاغه

۱. ابن ابی الحدید، عبدالحمید. (۱۴۰۴ق). شرح نهج البلاغه (چاپ اول). قم: مکتبه آیه الله العظمی المرعشی النجفی رحمته الله.
۲. ابن بابویه قمی، محمد بن علی. (۱۳۶۲). الخصال (چاپ اول). قم: جامعه مدرسین حوزة علمیه قم.
۳. ابن بابویه قمی، محمد بن علی. (۱۳۹۵ق). کمال الدین و تمام النعمه (چاپ دوم). تهران: اسلامیه.
۴. ابن بابویه قمی، محمد بن علی. (۱۳۹۸ق). التوحید (چاپ اول). قم: جامعه مدرسین حوزة علمیه قم.
۵. ابن بابویه قمی، محمد بن علی. (۱۴۰۴ق). من لایحضره الفقیه (چاپ دوم). قم: جامعه مدرسین حوزة علمیه قم.
۶. ابن جوزی، عبدالرحمان بن علی. (۱۴۱۲ق). المنتظم فی تاریخ الأمم و الملوک (محققان: محمد عبدالقادر عطا و مصطفی عبدالقادر عطا، الطبعة الأولى). بیروت: دارالکتب العلمیه.
۷. ابن حجر عسقلانی، احمد بن علی. (۱۴۱۵ق). الإصابة فی تمييز الصحابة (محقق: عادل احمد عبدال موجود، الطبعة الأولى). بیروت: دارالکتب العلمیه.
۸. ابن سعد، محمد. (۱۴۱۸ق). الطبقات الكبرى (الطبعة الثانية). بیروت: دارالکتب العلمیه.
۹. ابن شعبه حرانی، حسن بن علی. (۱۴۰۴ق). تحف العقول عن آل الرسول صلی الله علیه و آله (چاپ دوم). قم: جامعه مدرسین حوزة علمیه قم.
۱۰. ابن شهر آشوب، محمد بن علی. (۱۳۷۹ق). مناقب آل ابی طالب علیهم السلام (چاپ اول). قم: علامه.
۱۱. ابن عدیم، عمر بن احمد. (بی تا). بغیة الطلب فی تاریخ حلب (چاپ اول). بیروت: دارالفکر.

۱۲. ابن عساکر، علی بن حسن بن هبة الله. (۱۴۱۷ق). تاریخ مدینه دمشق (الطبعة الأولى). بیروت: دارالفکر.
۱۳. ابن فهد حلی، احمد بن محمد. (۱۴۰۷ق). المهذب البارع فی شرح المختصر النافع (چاپ اول). قم: جامعه مدرسین.
۱۴. ابن هشام، محمد بن عبدالملک. (بی تا). السیره النبویه ﷺ (محققان: مصطفی السقا، ابراهیم الأبیاری و عبدالحفیظ شلبی، الطبعة الأولى). بیروت: دارالمعرفة.
۱۵. ابوالفرج اصفهانی، علی بن حسین. (۱۴۱۵ق). الاغانی (الطبعة الأولى). بیروت: داراحیاء التراث العربی.
۱۶. بلاذری، احمد بن یحیی بن جابر. (۱۴۱۷ق). انساب الأشراف (محققان سهیل زکار و ریاض زرکلی، الطبعة الأولى). بیروت: دارالفکر.
۱۷. تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد. (۱۴۱۰ق). غررالحکم و دررالکلم (چاپ دوم). قم: دارالکتاب الإسلامی.
۱۸. ثعالبی نیشابوری، عبدالملک. (۱۴۰۳ق). یتیمه الدهر (چاپ اول). بیروت: دارالکتب العلمیه.
۱۹. جاحظ، عمرو بن بحر. (۲۰۰۲م). البیان و التبیین (چاپ اول). بیروت: مکتبه الهلال.
۲۰. حموی، یاقوت بن عبدالله. (۱۳۹۹ق) معجم البلدان (چاپ اول). بیروت: داراحیاء التراث العربی.
۲۱. حمیری، عبدالله بن جعفر. (۱۴۱۳ق). قرب الاسناد (چاپ اول). قم: مؤسسة آل البيت ﷺ.
۲۲. خطیب بغدادی، احمد بن علی. (۱۹۷۴م). تقیید العلم (چاپ اول). بیروت: داراحیاء السنة النبویه.
۲۳. ذهبی، محمد بن أحمد. (۱۳۷۴ق). تذکرة الحفاظ (چاپ اول). بیروت: داراحیاء التراث العربی.
۲۴. ذهبی، محمد بن احمد. (۱۴۱۳ق). سیر اعلام النبلاء (محقق: حسین اسد، الطبعة التاسعة). بیروت: مؤسسة الرسالة.
۲۵. صفار، محمد بن حسن. (۱۴۰۴ق). بصائر الدرجات فی فضائل آل محمد ﷺ. (چاپ دوم). قم: کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی ﷺ.

۲۶. طباطبایی، سید محمد کاظم. (۱۳۹۰). تاریخ حدیث شیعه (چاپ سوم). تهران: سمت.
۲۷. طبری شیعی، محمد بن جریر. (۱۴۱۳ق). دلائل الامامه (چاپ اول). قم: بعثت.
۲۸. طوسی، محمد بن حسن. (۱۴۰۷ق). تهذیب الاحکام (چاپ چهارم). تهران: دارالکتب الإسلامية.
۲۹. طوسی، محمد بن حسن. (۱۴۰۹ق). اختیار معرفه الرجال (چاپ اول). مشهد: دانشگاه مشهد.
۳۰. طوسی، محمد بن حسن. (۱۴۱۴ق). الامالی (چاپ اول). قم: دارالثقافة.
۳۱. طوسی، محمد بن حسن. (۱۴۲۰ق). فهرست کتب الشیعة و أصولهم و أسماء المصنفین و أصحاب الأصول (چاپ اول). قم: مکتبه محقق طباطبایی.
۳۲. عریضی، علی بن جعفر. (۱۴۰۹ق). مسائل علی بن جعفر و مستدرکاتها (چاپ اول). قم: ال البيت علیهم‌السلام.
۳۳. عیاشی، محمد بن مسعود. (۱۳۸۰ق). التفسیر (چاپ اول). تهران: المطبعة العلمية.
۳۴. قزوینی رازی، عبدالجلیل. (۱۳۵۸). النقص معروف به بعض مثالب النواصب فی نقض بعض فضائح الروافض (چاپ اول). تهران: انجمن آثار ملی.
۳۵. قطب راوندی، سعید بن هبه‌الله. (۱۴۰۹ق). الخرائج و الجرائح (چاپ اول). قم: مدرسه امام مهدی علیه‌السلام.
۳۶. قمی، حسن بن محمد. (۱۳۶۱). تاریخ قم (مترجم: حسن بن علی قمی، چاپ اول). تهران: نشر توس.
۳۷. کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۴۰۴ق). الکافی (محقق: علی اکبر غفاری، چاپ چهارم). تهران: دارالکتب الإسلامية.
۳۸. ابن اسفندیار، محمد. (۱۳۶۶). تاریخ طبرستان (چاپ دوم). تهران: پدیده خاور.
۳۹. مسعودی، علی بن حسین. (۱۴۰۹ق). مروج الذهب و معادن الجوهر (محقق: اسعد داغر، چاپ دوم). قم: دارالهجرة.
۴۰. مفید، محمد بن محمد بن نعمان. (۱۴۱۳ق). الاختصاص (چاپ اول). قم: کنگره شیخ مفید.
۴۱. مفید، محمد بن محمد بن نعمان. (۱۴۱۳ق). المقنعه (چاپ اول). قم: کنگره شیخ مفید.

۴۲. مقدسی، ابو عبدالله محمد بن احمد. (۱۴۱۱ق). احسن التقاسیم فی معرفه الاقالیم (الطبعة الثالثة). قاهره: مكتبة مدبولی.
۴۳. مكی، محمد بن جمال الدین. (۱۴۱۹ق). ذكری الشيعة فی أحكام الشريعة (چاپ دوم). قم: آل البيت عَلَيْهِمُ السَّلَامُ.
۴۴. نجاشی، احمد بن علی. (۱۴۱۶ق). فهرست اسماء مصنفی الشيعة المشتهر بالرجال (چاپ پنجم). قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۴۵. نووی، محی الدین بن شرف. (بی تا). المجموع (الطبعة الأولى). بیروت: دارالفکر.
۴۶. یعقوبی، احمد بن ابی واضح. (بی تا). التاريخ. بیروت: دارصادر.



References

*Holy Quran

*Nahj al-Balaqa

1. Abulfaraj Isfahani, A. (1415 AH). *Al-Aghani* (1st ed.). Beirut: Dar al-Ihya al-Turath al-Arabi. [In Arabic]
2. al-Jawzi, A. (1412 AH). *al-Muntazam fi tarikh al-muluk wa'l-umam* (M. A. Q. Ata., & M. A. Q. Ata, Eds., 1st ed.). Beirut: Dar al-Kotob al-ilmiah. [In Arabic]
3. al-Kulayni, M. (1404 AH). *Al-Kafi* (A. A, Ghafari, Ed., 4th ed.). Tehran: Dar al-Kotob Al-Islamiyah. [In Arabic]
4. al-Shaykh al-Saduq (Ibn Babawayh). (1362 AP). *Al-Khisal* (1st ed.). Qom: Society of Seminary Teachers of Qom. [In Arabic]
5. al-Shaykh al-Saduq (Ibn Babawayh). (1395 AH). *Kamal al-din wa tamam al-ni'mah* (2nd ed.). Tehran: Dar al-Kotob Al-Islamiyah. [In Arabic]
6. al-Shaykh al-Saduq (Ibn Babawayh). (1398 AH). *Kitab al-Tawheed* (1st ed.). Qom: Society of Seminary Teachers of Qom. [In Arabic]
7. al-Shaykh al-Saduq (Ibn Babawayh). (1404 AH). *Man La Yahduruhu al-Faqih* (2nd ed.). Qom: Society of Seminary Teachers of Qom. [In Arabic]
8. Arizi, A. (1409 AH). *The problems of Ali bin Jafar and its explanations* (1st ed.). Qom: Aal al-Bayt. [In Arabic]
9. Ayashi, M. (1380 AH). *Al-Tafsir* (1st ed.). Tehran: Dar al-Kotob al-ilmiah. [In Arabic]
10. Baladhari, A. (1417 AH). *Ansab al-Ashraf* (S. Zakkar., & R. Zerekli, Eds., 1st ed.). Beirut: Dar al-Fikr. [In Arabic]
11. Hamavi, Y. (1399 AH). *Mo'jam Al-Boldan* (1st ed.). Beirut: Dar al-Ihya al-Turath al-Arabi. [In Arabic]
12. Homeyri, A. (1413 AH). *Qorb al-Asnad* (1st ed.). Qom: Aal al-Bayt. [In Arabic]
13. Ibn Abi al-Hadid, A. H. (1404 AH). *Commentary on Nahj al-Balagha* (1st ed.). Qom: Library of Ayatollah al-Marashi al-Najafi. [In Arabic]

14. Ibn Adim, O. (n.d.). *Bughyat al-Talab fi Tarikh alabal* (1st ed.) Beirut: Dar al-Fikr. [In Arabic]
15. Ibn Asaker, A. (1417 AH). *History of Damascus* (1st ed.) Beirut: Dar al-Fikr. [In Arabic]
16. Ibn Fahd al-Hilli, A. (1407 AH). *Al-Muhadhdhab al-bari' fi Sharh al-Mukhtasar al-Nafi* (1st ed.). Qom: Society of Seminary Teachers of Qom. [In Arabic]
17. Ibn Hajar al-Asqalani, A. (1415 AH). *al-Isaba fi tamyiz al-Sahaba* (Adel Ahmed Abdul Mojood, Ed., 1st ed.). Beirut: Dar al-Kotob Al-ilmiyah. [In Arabic]
18. Ibn Hisham, M. (n.d.). *al-Sirah al-Nabawiyah* (M. Al-Saqqa., I. Abiari., & A. H. Shal'abi, Eds., 1st ed.). Beirut: Dar al-Ma'rifa. [In Arabic]
19. Ibn Isfandiyar, M. (1366 AP). *History of Tabaristan* (2nd ed.). Tehran: Padide Khavar. [In persian]
20. Ibn Sa'd, M. (1418 AH). *Tabaqat al-Kubra* (2nd ed.). Beirut: Dar al-Kotob al-ilamiyah. [In Arabic]
21. Ibn Shahr Ashub, M. (1379 AH). *Manaqib Ale Abi Talib* (1st ed.). Qom: Allameh. [In Arabic]
22. Ibn Shu'ba al-Harrani, H. (1404 AH). *Tuhaf al-'uqul fi ma ja'a min al-ikam wa l-mawa'iz min 'al al-rasul* (2nd ed.). Qom: Society of Seminary Teachers of Qom. [In Arabic]
23. Imam Az-Zahabi, M. (1374 AH). *Tazkiratul Huffaz* (1st ed.). Beirut: Dar al-Ihya al-Turath al-Arabi. [In Arabic]
24. Imam Az-Zahabi, M. (1413 AH). *Siyar A'Lam An-Nubala* (H. Asad, Ed., 9th ed.). Beirut: al-Risala Institute. [In Arabic]
25. Jahiz, A. (2002). *Al-Bayan wa at-Tabyin* (1st ed.). Beirut: Al-Hilal Library. [In Arabic]
26. Khatib Baghdadi, A. (1974). *Taqyid al-'Ilam* (1st ed.). Beirut: Dar al-Ihya Sunnah al-Nabawiyah. [In Arabic]

27. Makki, M. (1419 AH). *Zekr al-Shi'a fi Al-Ahkam Al-Shari'a* (2nd ed.). Qom: Aal al-Bayt. [In Arabic]
28. Masoudi, A. (1409 AH). *Muruj al-zahab wa Ma'adin Al-jawhar* (A. Dagher, Ed., 2nd ed.). Qom: Dar al-Hejra. [In Arabic]
29. Mofid, M (al-Shaykh al-Mufid). (1413 AH). *Al-Muqni'ah* (1st ed.). Qom: Shaykh Mufid Congress. [In Arabic]
30. Mofid, M (al-Shaykh al-Mufid). (1413 AH). *Al-Al-Ikhtisas* (1st ed.). Qom: Shaykh Mufid Congress. [In Arabic]
31. Moqadasi, A. A. M. (1411 AH). *Ahsan al-Taqasim fi Ma'rifa al-Aqalim* (3rd ed.). Cairo: Madbouly Library. [In Arabic]
32. Najashi, A. (1416 AH). *Fihris asma' musannifi l-Shi'a (Rijal al-Najashi)* (5th ed.). Qom: Society of Seminary Teachers of Qom. [In Arabic]
33. Nowi, M. (n.d.). *Al-Majmu* (1st ed.). Beirut: Dar al-Fikr. [In Arabic]
34. Qazvini Razi, A. J. (1358 AP). *Al-naghz known as Ba'az al-Masaleb al-Navaseb fi Naqze Ba'az Fazaeh al-Rafavez* (1st ed.). Tehran: Association of National Artifacts. [In Arabic]
35. Qomi, H. (1361 AP). *History of Qom* (1st ed., Hasan bin Ali, Qommi, Trans.). Tehran: Toos. [In Persian]
36. Qutb al-Din al-Rawandi, S. (1409 AH). *Al-Khara'ij wa l-jara'ih* (1st ed.). Qom: Imam Mahdi School. [In Arabic]
37. Saffar, M. (1404 AH). *Basa'ir al-darajat al-kubra fi fada'il Al Muhammad*. (2nd ed.). Qom: Ayatollah Marashi Najafi Library. [In Arabic]
38. Tabari Shi'i, M. (1413 AH). *Dalil al-Imama* (1st ed.). Qom: Be'sat. [In Arabic]
39. Tabatabaei, S. M. K. (1390 AP). *History of Shia Hadith* (3rd ed.). Tehran: Samt. [In Persian]
40. Tamimi Amadi, A. W. (1410 AH). *Ghurur al- Hikam wa Durar al-Kalim* (2nd ed.). Qom: Dar al-Kotob al-Islamiyah. [In Arabic]
41. Tha'labi Neishabouri, A. M. (1403 AH). *Yatima al-Dahr* (1st ed.). Beirut: Dar al-Kotob al-Islamiyah. [In Arabic]

42. Tusi, M. (1407 AH). *Tahzib al-Ahkam* (4th ed.). Tehran: Dar al-Kotob al-Islamiyah. [In Arabic]
43. Tusi, M. (1409 AH). *Ikhtiyar ma'rifat al-rijal* (1st ed.). Mashhad: University of Mashhad. [In Arabic]
44. Tusi, M. (1414 AH). *al-Amali* (1st ed.). Qom: Dar al-Thaqafe. [In Arabic]
45. Tusi, M. (1420 AH). *Fihrist kutub al-Sha'a wa usulihim wa asma' al-musannifin wa ashab al-usul* (1st ed.). Qom: Library of Tabatabaei Reasercher. [In Arabic]
46. Yaqubi, A. (n.d.). *history*. Beirut: Dar Sader. [In Arabic]

